

ترجمه کلمه به کلمه و روان متن

مِن آيَاتِ الْأَخْلَاقِ (از آیه‌های اخلاق)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا	الَّذِينَ	آمَنُوا	لَا يَسْخَرُوا	قَوْمًا	مِنَ	قَوْمٍ
ای	کسانی که	ایمان آوردند	نباید مسخره کنند	قوم	از	قوم

ای کسانی که ایمان آوردید نباید قومی، قومی [دیگر] را مسخره کنند

عَسَىٰ	أَنْ يَكُونُوا	خَيْرًا	مِنْهُمْ	وَ	لَا	نِسَاءً	مِنَ	نِسَاءِ
شاید	که باشند	بهتر	از ایشان	و	نه	زنان	از	زنان

شاید که [آن‌ها] بهتر از خودشان باشند و نه زنانی، زنانی [دیگر] را مسخره کنند.

عَسَىٰ	أَنْ يَكُنَّ	خَيْرًا	مِنْهُنَّ	وَ	لَا تَلْمِزُوا	أَنْفُسَكُمْ
شاید	که باشند	بهتر	از ایشان	و	عیب نگیرید	خودتان

شاید که [آن‌ها] بهتر از خودشان باشند و از خودتان عیب نگیرید

وَ لَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ	بِئْسَ	الاسْمُ	الْفُسُوقُ	بَعْدَ	الْإِيمَانِ
و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید	[چه] بد است	نام	آلوده شدن به گناه	بعد	ایمان

و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید پس از ایمان [به خدا] نام آلوده شدن به گناه [چه] بد است (چه نام بدی است آلوده شدن به گناه بعد از ایمان)

وَ	مَنْ	لَمْ يَتُوبْ	فَأُولَٰئِكَ	هَمُّ	الظَّالِمُونَ*	يَا أَيُّهَا	الَّذِينَ	آمَنُوا
و	هر کس	توبه نکرد	پس آنان	همان	ستمکاران	ای	کسانی که	ایمان آوردند

و هر کس توبه نکند پس آنان همان ستمکاران هستند، ای کسانی که ایمان آوردید

اجْتَنِبُوا	كثيْرًا	مِنَ	الظَّنِّ	إِنَّ	بَعْضَ	الظَّنِّ	إِثْمٌ
بپرهیزید، دوری کنید	بسیار	از	گمان	به راستی	برخی	گمان	گناه

از بسیاری از گمان [ها] بپرهیزید به راستی برخی گمان [ها] گناه هستند.

وَ	لَا تَجَسَّسُوا	وَ	لَا يَغْتَابُ	بَعْضُكُم	بَعْضًا
و	جاسوسی نکنید	و	نباید غیبت کند	برخی از شما	برخی

و جاسوسی نکنید و نباید از یکدیگر غیبت کنید (نباید برخی از شما برخی [دیگر] را غیبت کنند).

أَ	يَجِبُ	أَحَدُكُمْ	أَنْ يَأْكُلَ	لَحْمَ	أَخِيهِ	مَيْتًا
آیا	دوست دارد	یکی از شما	که بخورد	گوشت	برادرش	مرده

آیا یکی از شما (کسی از شما) دوست دارد که گوشت برادرش را در حالی که مرده است، بخورد؟

فَكَرِهْتُمُوهُ	وَ	اتَّقُوا	اللَّهَ	إِنَّ	اللَّهَ	تَوَّابٌ	رَحِيمٌ
پس آن را ناپسند داشتید	و	پروا کنید	خدا	به راستی	خدا	بسیار توبه‌پذیر	مهربان

پس آن را ناپسند داشتید و از خدا پروا کنید به راستی خداوند بسیار توبه‌پذیر مهربان است.

قَدْ	يَكُونُ	بَيْنَ	النَّاسِ	مَنْ	هُوَ	أَحْسَنُ	مِنَّا،
گاهی	می‌باشد	میان	مردم	کسی که	او	بهتر، بهترین	از ما

گاهی میان مردم کسی هست که او بهتر از ماست،

فَعَلَيْنَا	أَنْ نَبْعِدَ	عَنِ	الْعُجْبِ	وَ	أَنْ لَا نَذْكُرَ	عُيُوبَ	الْآخَرِينَ	بِكَلَامٍ	خَفِيِّ	أَوْ	بِإِشَارَةٍ.
پس ما باید، برماست	که دوری کنیم	از	خودپسندی	و	یاد نکنیم	عیب‌ها	دیگران	به سخن	پنهان	یا	با اشاره

پس ما باید (بر ما لازم است) از خودپسندی دوری کنیم و عیب‌های دیگران را با سخنی پنهان یا با اشاره‌ای یاد نکنیم.

۱. «خَيْرٌ» اسم تفضیل است.

۲. جمله شرطیه است و جمله «فَأُولَٰئِكَ...» جواب شرط است.

۳. «تَوَّابٌ» اسم مبالغه است.

۴. «أَحْسَنُ» اسم تفضیل است.

فَقَدْ قَالَ	أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ	«أَكْبَرُ»	الْعَيْبِ	أَنْ تَعْيِبَ	مَا	فِيكَ	مِثْلَهُ».
پس گفته است	امیرمؤمنان علی <small>علیه السلام</small>	بزرگ‌ترین	عیب	که عیب‌دار کنی	آن چه	در تو	مانند آن

پس امیرمؤمنان علی علیه السلام گفته (فرموده) است: «بزرگ‌ترین عیب [آن است] که آن چه مانند آن در توست را عیب‌دار کنی.»

تَنْصَحْنَا	الْآيَةَ	الْأُولَى ^۱	وَ	تَقُولُ:	لَا تَعْيِبُوا	الْآخِرِينَ ^۳
ما را پند می‌دهد	آیه	اول	و	می‌گوید	عیب‌جویی نکنید	دیگران

آیه اول ما را پند می‌دهد و می‌گوید: از دیگران عیب‌جویی نکنید

وَ لَا تَلْقَبُوهُمْ	بِالْقَابِ	يَكْرَهُنَّهَا.	بِئْسَ	الْعَمَلُ	الْفُسُوقُ!
و آنان را لقب ندهید	با لقب‌ها	آن را ناپسند می‌دارند	[چه] بد است	کار	آلوده شدن به گناه

و آنان را با لقب‌هایی که آن‌ها را ناپسند می‌دارند، لقب ندهید. آلوده شدن به گناه [چه] بد کاری است!

وَ مَنْ ^۴	يَفْعَلُ	ذَلِكَ	فَهُوَ	مِنْ	الظَّالِمِينَ.
و هر کس	انجام می‌دهد	آن	پس او	از	ستمکاران

و هر کس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران است.

إِذَنْ	فَقَدْ حَرَّمَ	اللَّهُ	تَعَالَى	فِي	هَاتَيْنِ	الْآيَتَيْنِ:
بنابراین	پس حرام کرده است	خدا	بلندمرتبه	در	این دو	دو آیه

بنابراین خدای بلندمرتبه در این دو آیه [آن‌را] حرام کرده است:

- الْإِسْتِهْزَاءُ ^۵	الْآخِرِينَ،	وَ	تَسْمِيَتَهُمْ	بِالْأَسْمَاءِ	الْقَبِيحَةِ.
ریشخند کردن	دیگران	و	نامیدن آنان	به نام‌ها	زشت

- ریشخند کردن دیگران و نام دادن (نامیدن) آنان با نام‌های زشت

- سَوْءَ الظَّنِّ،	وَ	هُوَ	اِتِّهَامُ	شَخْصٍ	لِشَخْصٍ	آخَرَ	بِدُونِ	دَلِيلٍ	مَنْطِقِيٍّ.
بدگمانی	و	آن	تهمت‌زدن	شخص	به شخص	دیگر	بدون	دلیل	منطقی

- بدگمانی و آن تهمت‌زدن یک شخص (شخصی) به شخص دیگر بدون علّتی منطقی است.

- التَّجَسُّسُ،	وَ	هُوَ	مُحَاوَلَةُ	قَبِيحَةٌ	لِكَشْفِ	أَسْرَارِ	النَّاسِ
جاسوسی کردن	و	آن	تلاش	زشت	برای کشف	رازها	مردم

- جاسوسی کردن و آن تلاشی زشت برای کشف رازهای مردم است

لِفُضْحِهِمْ	وَ	هُوَ	مِنْ	كِبَائِرِ الذُّنُوبِ	فِي	مَكْتَبِنَا	وَ	مِنْ	الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.
برای رسوا کردن آنان	و	آن	از	گناهان بزرگ	در	مکتب ما	و	از	اخلاق‌ها

برای رسوا کردن آنان و آن از بزرگ‌ترین گناهان در مکتب ما و از اخلاق‌های زشت است.

- وَ الْغَيْبَةُ،	وَ	هِيَ	مِنْ	أَهَمِّ	أَسْبَابِ	قَطْعِ	التَّوَاصُلِ	بَيْنَ	النَّاسِ.
و غیبت	و	آن	از	مهم‌ترین	علّت‌ها	بریدن	ارتباط	میان	مردم

- و غیبت و آن از مهم‌ترین علّت‌های قطع ارتباط میان مردم است.

سَمَّى	بَعْضُ	الْمُفَسِّرِينَ	سُورَةَ	الْحَجَرَاتِ	الَّتِي	جَاءَتْ	فِيهَا	هَاتَانِ	الْآيَتَانِ	بِسُورَةِ	الْأَخْلَاقِ.
نامید	برخی	مفسران	سوره	حجرات	که	آمد	در آن	این دو	دو آیه	به سوره	اخلاق

برخی از مفسران سوره حجرات را که در آن، این دو آیه آمده است، سوره اخلاق نامیدند.

۱. «أَكْبَرُ» اسم تفضیل است.

۲. «الْأُولَى» اسم تفضیل مؤنث بر وزن «فَعْلَى» است.

۳. «الْآخِرِينَ» مفرد «الْآخِر» در اصل به صورت «الْآخِر» بر وزن «أَفْعَل» است و اسم تفضیل می‌باشد.

۴. این جمله، جمله شرطیه است. جمله «فَهُوَ...» جواب شرط است.

۵. «الْإِسْتِهْزَاءُ» با حرف اضافه «بِ» می‌آید.

۶. «أَهَمُّ» در اصل «أَهَمُّ» است که بر وزن «أَفْعَل» و اسم تفضیل است.

واژگان

عُجِبَ: خودپسندی عَسَى: شاید = رُبَمَا عَدَّبَ: عذاب داد (مضارع: يُعَدِّبُ / امر: عَدِّبْ / مصدر: تُعَذِّبُ) عَلَبَتْ: چیره شد فُسِقَ: آلوده شدن به گناه فَضَحَ: رسوا کردن قَدْ: گاهی، شاید ← (بر سر فعل مضارع می آید). «قَدْ يَكُونُ: گاهی می باشد» ← بر سر فعل ماضی برای نزدیک ساختن زمان فعل به حال و معادل ماضی نقلی است. كَبَّرَ: گناهان بزرگ «مفرد: كَبِيرَةٌ» كَرِهَ: ناپسند داشت (مضارع: يَكْرَهُ / امر: اِكْرَهُ / مصدر: كَرَاهَةٌ) لَحِمَ: گوشت «جمع: لُحُوم» لَقَّبَ: لقب داد (مضارع: يُلَقِّبُ / امر: لَقِّبْ) لَمَزَ: عیب گرفت (مضارع: يُلْمِزُ) مَتَجَرَّ: مغازه مَيِّتَ: مُرَدَه «جمع: أَمْوَات، مَوْتَى» ≠ حَيَّ مُهَيَّنَدِي: هدایت شده مِيزَان: ترازو «جمع: مِوَازين» نَوَعِيَّة: نوع، جنس	تَوَاضَل: ارتباط (ماضی: تَوَاضَلْ / مضارع: يَتَوَاضَلْ) تَمَّمَ: کامل کرد (مضارع: يَتَمَّمُ / امر: تَمَّمْ / مصدر: تَمَّتِمَ) جَادَلَ: گفت و گو کرد، ستیز کرد (مضارع: يُجَادِلُ / امر: جَادِلْ / مصدر: مُجَادَلَةٌ) حَرَّمَ: حرام کرد (مضارع: يُحَرِّمُ / امر: حَرِّمْ / مصدر: تَحْرِيمَ) حَسَّنَ: نیکو گردانید (مضارع: يُحَسِّنُ / امر: حَسِّنْ / مصدر: تَحْسِينَ) حَيَّ: بشتاب خَفَّضَ: تخفیف داد (مضارع: يُخَفِّضُ / امر: خَفِّضْ / مصدر: تَخْفِيزُ) خَفِيَ: پنهان ≠ ظاهر زَمِيلَ: همکار سَاءَ: بد شد (مضارع: يَسُوءُ) سَخَّرَ مِنْ: مسخره کرد (مضارع: يُسَخِّرُ / مصدر: سُخْرِيَّةُ) «لا يَسَخَّرُ: نباید مسخره کند» سِعَرَ: قیمت «جمع أَسْعَار» صَلَّ: گمراه شد (مضارع: يَصِلُّ) عَابَ: عیب جویی کرد، عیب دار کرد (مضارع: يَعِيبُ / مصدر: عَيْبُ)	إِتَّقَى: پروا کرد (مضارع: يَتَّقِي) «إِتَّقُوا اللَّهَ: از خدا پروا کنید» إِثْمٌ: گناه = ذَنْبٌ إِسْتَهْزَأَ: ریشخند کردن (ماضی: إِسْتَهْزَأَ / مضارع: يَسْتَهْزِئُ) أَدْعُ: فرا بخوان إِغْتَابَ: غیبت کرد (مضارع: يَغْتَابُ) «لا يَغْتَابُ: نباید غیبت کند» أَنْ يَكُنَّ: که باشند (كَانَ، يَكُونُ) أَنْ يَكُونَا: که باشند (كَانَ، يَكُونُ) أَهْدَى: هدیه کرد بَغَضَ ... بَغَضًا: یکدیگر بِئْسَ: بد است تَابَ: توبه کرد (مضارع: يَتُوبُ) «لَمْ يَتُبْ: توبه نکرد» تَجَسَّسَ: جاسوسی کرد (مضارع: يَتَجَسَّسُ / امر: تَجَسَّسْ / مصدر: تَجَسُّسُ) تَسْمِيَّة: نام دادن، نامیدن (ماضی: سَمَّى / مضارع: يَسْمِي) تَخْفِيزُ: تخفیف دادن (در داد و ستد) تَنَابَزَ بِالْأَلْقَابِ: به یکدیگر لقب های زشت دادن (ماضی: تَنَابَزَ / مضارع: يَتَنَابَزُ / مصدر: تَنَابُزُ) تَوَابَ: بسیار توبه پذیر، بسیار توبه کننده
---	--	---

عَمَلَ = فِعْلٌ کار	رَحِيمٌ = حَنُونٌ مهربان	إِثْمٌ = ذَنْبٌ = خَطِيئَةٌ گناه	خَيْرٌ = أَفْضَلُ، أَحْسَنُ بهتر، بهترین	يَا = أَيُّهَا ای	مترادف
تَوَاضَلُ = إِرْتِبَاطٌ ارتباط	مُحَاوَلَةٌ = إِجْتِهَادٌ = سَعْيٌ تلاش	قَدْ (+ فعل مضارع) = عَسَى = رُبَمَا شاید	شَخْصٌ = فَرْدٌ فرد، شخص	يَفْعَلُ = يَعْمَلُ انجام می دهد، کار می کند	
إِسْتَهْزَأَ بِ- = سَخَّرَ مِنْ ریشخند کرد، مسخره کرد	كَبَّرَ = الذُّنُوبَ الكَبِيرَةَ گناهان بزرگ	جَعَلَ = وَضَعَ قرار داد	سَبِيلٌ = طَرِيقٌ راه	حَسَنٌ = جَيِّدٌ خوب	
إِجْتِنَابٌ = إِبْتِعَادٌ دوری کردن، دور شدن	مَخْفِيٌ = مَسْتَوْرٌ پنهان	تَنَابَزَ = لَقَّبَ با لقب [بد] خواند، لقب داد	كَرِهَ = قَبِيحٌ زشت، ناپسند	عَابَ = لَمَزَ عیب جویی کرد، عیب دار کرد، عیب گرفت	



أَوْلَئِكَ ≠ هَؤُلَاءِ آنان ≠ اینان	بَعْدُ ≠ قَبْلُ پس ≠ پیش	نِساءُ ≠ رِجالُ زنان ≠ مردان	كثيرُ ≠ قليلُ بسیار، زیاد ≠ کم	اجْتَنِبُوا ≠ اقْتَرِبُوا بپرهیزید ≠ نزدیک شوید	متضاد
خَفِيٌّ ≠ ظَاهِرٌ، مُبِينٌ پنهان ≠ آشکار	نَبْتَعِدُ ≠ نَقْتَرِبُ دور می شویم ≠ نزدیک می شویم	مَيِّتٌ ≠ حَيٌّ مرده ≠ زنده	أَخٌ ≠ أُخْتٌ برادر ≠ خواهر	أَحَدٌ ≠ جَمِيعٌ یکی ≠ همه	
أَقَلُّ ≠ أَكْثَرُ کم تر ≠ بیش تر	أَعْلَى ≠ أَرْحَصُ گران تر ≠ ارزان تر	يَنْهَى ≠ يَأْمُرُ نهی می کند ≠ دستور می دهد	قَطَعَ ≠ وَضَلَ بریدن ≠ پیوند خوردن	قَبِيحَةٌ ≠ جَمِيلَةٌ زشت ≠ زیبا	
عَالِيَةٌ ≠ رَخِيصَةٌ گران ≠ ارزان	قَدِيمٌ ≠ جَدِيدٌ، بَدِيعٌ قدیم ≠ جدید، نو	أَكْبَرُ ≠ أَصْغَرُ بزرگ تر ≠ کوچک تر	قَمِيصٌ ≠ فُسْتَانٌ پیراهن مردانه ≠ پیراهن زنانه	كَبِيرٌ ≠ صَغِيرٌ بزرگ تر ≠ کوچک تر	
	أَحَلَّ ≠ حَرَّمَ حلال کرد ≠ حرام کرد	مَشْرِقٌ ≠ مَغْرِبٌ مشرق ≠ مغرب	زَائِدٌ ≠ نَاقِصٌ به اضافه ≠ منهای	أَبْيَضٌ ≠ أَسْوَدٌ سفید ≠ سیاه	
حَسَنٌ: خوب أَحْسَنٌ: بهتر	أَعْلَى: بلندتر، بلندترین أَعْلَى: گران تر، گران ترین	ذَهَبٌ: رفت ذَهَبٌ: طلا	تَابٌ: توبه کرد إِغْتَابٌ: غیبت کرد	غَافِرٌ: آمرزنده غَفَارٌ: بسیار آمرزنده	کلمات مشابه
		سَاتَرٌ: پوشاننده سَتَّارٌ: بسیار پوشاننده	سَاءٌ: بد شد سَوْءٌ: بد	مَطْعَمٌ: رستوران مَطْبَخٌ: آشپزخانه مَطْبَعَةٌ: چاپخانه	
أَسْرَارٌ ← سِرٌّ راز	أَسْمَاءٌ ← إِسْمٌ نام، اسم	عُيُوبٌ ← عَيْبٌ عیب	أَلْقَابٌ ← لَقَبٌ لقب	أَنْفُسٌ ← نَفْسٌ خود	جمع مکسر
لُحُومٌ ← لَحْمٌ گوشت	أَسْبَابٌ ← سَبَبٌ علت	أَخْلَاقٌ ← خُلُقٌ اخلاق	ذُنُوبٌ ← ذَنْبٌ گناه	كِبَائِرٌ ← كَبِيرَةٌ بزرگ	
عِبَادٌ ← عَبْدٌ بنده	أَحَادِيثٌ ← حَدِيثٌ حدیث	أَفْضَلٌ ← أَفْضَلُ بهتر، برتر	جِبَالٌ ← جَبَلٌ کوه	أَمْوَاتٌ، مَوْتَى ← مَيِّتٌ مرده	
تَمَارِينٌ ← تَمْرٌ تمرین	سِرَاوِيلٌ ← سِرْوَالٌ شلوار	فَسَاتِينٌ ← فُسْتَانٌ لباس	أَسْعَارٌ ← سِعْرٌ قیمت	مَلَابِسٌ ← مَلْبَسٌ لباس	
مَوَازِينٌ ← مِيزَانٌ ترازو	خَطَايَا ← خَطِيئَةٌ خطا، اشتباه	عُيُوبٌ ← عَيْبٌ نهنان	تَرَكَيبٌ ← تَرْكِيْبٌ ترکیب	أَفْعَالٌ ← فِعْلٌ فعل	

□ عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ. (درست و غلط را بر حسب متن درس مشخص کن.) ✓ ✗

- ✗ ۱- سَمَى بَعْضَ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ بِعُرُوسِ الْقُرْآنِ. (برخی از مفسران سوره حجرات را عروس قرآن نامیدند.)
- ✗ ۲- حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْإِسْتِهْزَاءَ وَالْغَيْبَةَ فَقَطُّ. (خدا در این دو آیه، فقط ریشخند کردن و غیبت را حرام کرد.)
- ✓ ۳- الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكَرَ أَخَاكَ وَأَخْتَكَ بِمَا يَكْرَهُانِ. (غیبت همان است که برادرت و خواهرت را به آنچه ناپسند می دارند، یاد کنی.)
- ✓ ۴- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ الشُّحْرِيبَةِ مِنَ الْآخِرِينَ. (همانا خداوند مردم را از مسخره کردن دیگران نهی می کند.)
- ✗ ۵- أَلَسَّعِي لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ. (تلاش برای شناختن رازهای دیگران کاری زیباست.)

قواعد

اسم التفضیل و اسم المکان

اسم تفضیل

من از مریم بزرگ‌تر هستم!
دوستم باهوش‌ترین دانش‌آموز کلاس است!
به کلماتی مانند «بزرگ‌تر، باهوش‌ترین، بهتر، خوب‌ترین و ...» در زبان فارسی، «صفت برتر» و «صفت برترین» می‌گوییم.
معادل «صفت برتر» یا «صفت برترین» در زبان عربی، اسم تفضیل است که مفهوم برتری دارد و بر وزن «أفعل» می‌آید.

مثال

کبیر: بزرگ ← اسم تفضیل ← أَكْبَرُ: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین
حَسَنُ: خوب ← اسم تفضیل ← أَحْسَنُ: خوب‌تر، خوب‌ترین
صَغِيرُ: کوچک ← اسم تفضیل ← أَصْغَرُ: کوچک‌تر، کوچک‌ترین
جَمِيلُ: زیبا ← اسم تفضیل ← أَجْمَلُ: زیباتر، زیباترین
در ترکیبات زیر با اسم تفضیل، دو کلمه مقایسه شده‌اند.

- ۱) آسیا أَكْبَرُ مِنْ أوروپا.
- ۲) آسیا أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ.
- ۳) آسیا أَكْبَرُ قَارَةِ فِي الْعَالَمِ.

* چه تفاوتی در ترجمه اسم تفضیل «أكبر» در این سه عبارت می‌بینید؟

اگر دقت کنید، متوجه می‌شوید که در مثال اول، اسم تفضیل «أكبر» به صورت «صفت برتر» ترجمه شده (بزرگ‌تر) و در مثال دوم و سوم به صورت «صفت برترین» (بزرگ‌ترین) ترجمه شده است.

نکته هرگاه پس از اسم تفضیل حرف جرّ «مِنْ» بیاید (أفعل مِنْ ...)، در ترجمه معنای «برتر» دارد و از «صفت برتر» استفاده می‌کنیم و هرگاه

اسم تفضیل مضاف واقع شود، باید به صورت «صفت برترین» ترجمه شود.

هذا أَكْبَرُ مِنْ ذَاكَ. (این از آن بزرگ‌تر است.)

سورة البقرة أَكْبَرُ سورة في القرآن. (سوره بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است.)

تمرین

□ ترجم العبارات التالية. (عبارت‌های زیر را ترجمه کن.)

- ۱- ایران أَكْبَرُ بِلَدِ فِي الْمَنطِقَةِ!
- ۲- فاطمة أَكْبَرُ مِنْ زميلتها!
- ۳- آسیا أَجْمَلُ القَارَاتِ!
- ۴- حسین أَحْسَنُ طالبٍ فِي المدرسة!

پاسخ

- ۱- ایران بزرگ‌ترین کشور در منطقه است! (اسم تفضیل مضاف واقع شده است.)
 - ۲- فاطمه از هم‌شاگردی‌اش بزرگ‌تر است! (اسم تفضیل با حرف جرّ «مِنْ» آمده است.)
 - ۳- آسیا زیباترین قاره‌هاست! (اسم تفضیل مضاف واقع شده است.)
 - ۴- حسین بهترین دانش‌آموز در مدرسه است! (اسم تفضیل مضاف واقع شده است.)
- * گاهی اسم تفضیل به این شکل‌ها می‌آید:

أَدَقُّ: دقیق‌تر، دقیق‌ترین	أَحَبُّ: محبوب‌تر، محبوب‌ترین
أَقَلُّ: کم‌تر، کم‌ترین	أَعْلَى: گران‌تر، گران‌ترین
أَشَدُّ: سخت‌تر، سخت‌ترین	أَعْلَى: بلندتر، بلندترین

مثال

کوه دماوند بلندتر از کوه دناست.
کوه دماوند بلندترین کوه‌های ایران است.
کوه دماوند بلندترین کوه در ایران است.

جَبَلٌ دَمَاوَنْدٌ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا.
جَبَلٌ دَمَاوَنْدٌ أَعْلَى جِبَالِ إِيرَانَ.
جَبَلٌ دَمَاوَنْدٌ أَعْلَى جَبَلٍ فِي إِيرَانَ.

نکته مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فَعْلَى» می‌آید.

مثال

زَيْنَبُ الصُّغْرَى (زینب کوچک‌تر)

فَاطِمَةُ الْكُبْرَى (فاطمه بزرگ‌تر)
«كُبْرَى - صُغْرَى - حُسْنَى ...»

نکات

۱) وقتی بخواهیم اسم تفضیل را در حالت مقایسه میان دو اسم مؤنث قرار دهیم، معمولاً از همان وزن «أَفْعَل» استفاده می‌کنیم.

مثال فاطمَةُ أَكْبَرُ مِنْ زَيْنَب. (فاطمه بزرگ‌تر از زینب است.)

زمیلتی أَنْجَحَ مِنْ أُخْتِي مَرِيَمَ. (هم‌شاگردی‌ام از خواهرم مریم موفق‌تر است.)

۲) غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفَاعِل» است.

مثال إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفْضِلُ. (هرگاه فرومایگان به فرمانروایی برسند، شایستگان هلاک می‌شوند.)

أَزْدَلُ ← أَرَادِلُ أَفْضَلُ ← أَفْضُلُ

۳) اسم تفضیل می‌تواند به هر یک از ضمائر (هُ، هِمْ، هُنَّ، هُنَّ) اضافه شود: «أَقْلَمَكُمْ، أَحْسَنَهُمْ، أَشَدُّهَا، ...»

مثال أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ. (بهترین مردم سودمندترینشان برای مردم است.)

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را امتحان کن)

ترجمه الأحادیث التالية، ثُمَّ صَغَّ خَطًّا تَحْتَ اسْمِ التَّفْضِيلِ. (حدیث‌های زیر را ترجمه کن، سپس یک خط زیر اسم تفضیل بگذار.)

۱- أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ داناترین مردم، کسی است که علم مردم را به علم خود افزود (بیفزاید).

اسم تفضیل

۲- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خداوند سودمندترینشان برای بندگان است.

اسم تفضیل

۳- أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْخَلَالِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بهترین کارها کسب حلال است.

اسم تفضیل

خَيْرٌ وَ شَرٌّ

کلمه «خَيْرٌ» به معنای «خوبی» و کلمه «شَرٌّ» به معنای «بدی» است. این دو کلمه می‌توانند به معنای اسم تفضیل نیز بیایند.

نکته در چه صورت دو کلمه «خَيْرٌ» و «شَرٌّ» می‌توانند اسم تفضیل باشند:

۱) معمولاً بعد از این دو کلمه حرف جرّ «مِنْ» می‌آید.

ساعتی اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است.

تَفَكَّرَ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۲) هرگاه این دو کلمه مضاف واقع شوند.

شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَ لَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ﷺ بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نباشد و از خیانت دوری نکند.

خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ﷺ بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست.

به سوی بهترین کار بشتاب.

حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ

تمرین

□ تَرْجِمْ كَلِمَةً «خَيْر» فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ التَّفْضِيلِ. (كلمة «خیر» را در عبارات‌های زیر ترجمه کن سپس اسم تفضیل را مشخص کن.)
 ۱- خَيْرُ الْأُمُورِ أَنْفَعُهَا لِلنَّاسِ. ۲- الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ. ۳- الْعَدُوُّ الْعَاقِلُ خَيْرٌ مِنَ الصَّدِيقِ الْجَاهِلِ.

پاسخ

۱- بهترین - اسم تفضیل ۲- خوبی ۳- بهتر از - اسم تفضیل

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را امتحان کن)

تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ. (عبارات‌های زیر را ترجمه کن.)

۱- «... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ» الْمُؤْمِنُونَ: ۱۰۹

... پروردگارا، ایمان آوردیم پس ما را بیامرز و به ما رحم کن و تو بهترین رحم‌کنندگان هستی.

۲- خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
 بهترین برادرانتان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کرد (کند).

۳- لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ الْقَدْر: ۳

شب قدر بهتر از هزار ماه است.

۴- مَنْ غَلَبَتْ سَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ الْكَلْبِيُّ
 هر کس شهوتش بر عقلش چیره شد (شود) پس او بدتر از چارپایان است.

۵- شَرُّ النَّاسِ ذُو أُلُوهٍ بَيْنَ.

بدترین مردم دارای دو رو (منافق) است.

اسم مکان

به تمام کلماتی که بر جا و مکان دلالت می‌کنند، در زبان فارسی اسم‌های مکان می‌گوییم، ولی در زبان عربی به کلمه‌ای اسم مکان گفته می‌شود که بر وزن‌های زیر بیاید:

مَفْعَل ← مَلْعَب (ورزشگاه) - مَطْعَم (رستوران، غذاخوری) - مَصْنَع (کارخانه) - مَطْبَخ (آشپزخانه) - مَخْرَن (انبار)

مَفْعِل ← مَوْقِف (ایستگاه) - مَنَزَل (خانه) - مَجْلِس (مجلس) - مَحْفِل (انجمن)

مَفْعَلَةٌ ← مَكْتَبَةٌ (کتابخانه) - مَطْبَعَةٌ (چاپخانه) - مَدْرَسَةٌ (مدرسه) - مَحْفَلَةٌ (چمدان، کیف)

* جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» می‌آید:

مثال

مَلْعَب ← مَلَاعِب (ورزشگاه‌ها) / مَجْلِس ← مَجَالِس (مجلس‌ها) / مَطْعَم ← مَطَاعِم (رستوران‌ها)

مَنَزَل ← مَنَازِل (خانه‌ها) / مَكْتَبَةٌ ← مَكَاتِب (کتابخانه‌ها) / مَصْنَع ← مَصَانِع (کارخانه‌ها) / مَدْرَسَةٌ ← مَدَارِس (مدرسه‌ها)

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ (خودت را امتحان کن)

تَرْجِمِ الْآيَةَ وَالْعِبَارَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ وَاسْمَ التَّفْضِيلِ. (آیه و عبارت را ترجمه کن، سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.)

۱- «... وَجَادِلْهُمْ بِآيَاتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ...» التَّحَل: ۱۲۵

اسم تفضیل اسم مکان

... و با آنان به روشی که آن نیکوتر است گفت‌وگو [ستیز] کن به راستی پروردگارت به کسی که از راهش گمراه شد، آگاه‌تر است.

۲- كَانَتْ مَكْتَبَتُهُ «جندی سابور» فِي خَوْزِستَانِ أَكْبَرِ مَكْتَبَتِهِ فِي الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.

اسم مکان اسم تفضیل اسم مکان

کتابخانه جندی‌شاپور در خوزستان بزرگ‌ترین کتابخانه در جهان قدیم است.

مکالمه

جواز (في سوق مشهد) گفت وگو (در بازار مشهد)

بَائِعُ الْمَلَابِسِ (فروشنده لباسها)	الزَّائِرَةُ الْعَرَبِيَّةُ (زائر عرب)
عَلَيْكُمْ السَّلَامُ، مَرْحَبًا بِكَ. (سلام بر شما، خوش آمدی.)	سَلَامٌ عَلَيْكُمْ. (سلام بر شما)
سِتُّونَ أَلْفَ تُوْمَانٍ. (شصت هزار تومان)	كَمْ سِعْرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِيِّ؟ (قیمت این پیراهن مردانه چند است؟)
عِنْدَنَا بِسَعْرِ خَمْسِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ. تَفْضَلِي أَنْظُرِي. (به قیمت پنجاه هزار تومان داریم. بفرما نگاه کن.)	أُرِيدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَسْعَاؤُ غَالِيَةٌ. (ارزان تر از این می خواهم. این قیمت ها گران است.)
أَبْيَضٌ وَ أَسْوَدٌ وَ أَرْزَقٌ وَ أَحْمَرٌ وَ أَصْفَرٌ وَ بَنَفْسَجِيٌّ. (سفید و سیاه و آبی و قرمز و زرد و بنفش)	أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟ (چه رنگی دارید؟)
تَبْدَأُ الْأَسْعَاؤُ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا إِلَى خَمْسَةِ وَ ثَمَانِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ. (قیمت ها از هفتاد و پنج هزار [تومان] و هشتاد و پنج هزار تومان شروع می شود.)	بِكَمْ تُوْمَانٍ هَذِهِ الْأَفْسَاتِيْنُ؟ (این پیراهن های زنانه چند تومان است؟)
سَيِّدَتِي، يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ النَّوعِيَّاتِ. (خانم، قیمت بر اساس (طبق) جنس ها فرق می کند.)	الْأَسْعَاؤُ غَالِيَةٌ! (قیمت ها گران است!)
السَّرَوَالُ الرَّجَالِيُّ بِتِسْعِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ، وَ السَّرَوَالُ النِّسَائِيُّ بِخَمْسَةِ وَ تِسْعِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ. (شلوار مردانه نود هزار تومان و شلوار زنانه نود و پنج هزار تومان.)	بِكَمْ تُوْمَانٍ هَذِهِ السَّرَاوِيلُ؟ (این شلوارها چند تومان است؟)
ذَلِكَ مَتَجَرِّ زَمِيلِي، لَهُ سَرَاوِيلُ أَفْضَلُ. (آن مغازه همکارم است، او شلوارهای بهتری دارد.)	أُرِيدُ سَرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ. (شلوارهایی بهتر از این ها می خواهم.)
في مَتَجَرِّ زَمِيلِهِ... (در مغازه همکارش ...)	
صَارَ الْمَبْلَغُ مِئَتَيْنِ وَ ثَلَاثِينَ أَلْفَ تُوْمَانٍ. أُعْطِينِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِئَتَيْنِ وَ عِشْرِينَ أَلْفًا. (قیمت دویست و سی هزار تومان شد. بعد از تخفیف، دویست و بیست هزار [تومان]، به من بده.)	رَجَاءً، أُعْطِنِي سَرَوَالًا مِنْ هَذَا النَّوعِ وَ ... كَمْ صَارَ الْمَبْلَغُ؟ (لطفاً، شلوازی از این نوع (جنس) به من بده و ... قیمت چقدر شد؟)

تمارين كتاب درسی

الْتَمَرَيْنِ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مَعْجَمِ الدَّرْسِ تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟ (کدام کلمه از کلمات لغت نامه درس با توضیحات زیر تناسب دارد؟)

- ۱- جَعَلَهُ حَرَامًا: (آن را حرام قرار داد.)
 - ۲- الَّذِي لَيْسَ حَيًّا: (کسی که زنده نیست.)
 - ۳- الذُّنُوبُ الْكَبِيرَةُ: (گناهان بزرگ)
 - ۴- الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنِ عِبَادِهِ: (کسی که توبه را از بندگانش قبول می کند.)
 - ۵- تَسْمِيَةُ الْأَخْرَيْنِ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ: (نامیدن دیگران با نام های زشت.)
 - ۶- ذَكَرْنَا لَا يَرْضَى بِهِ الْأَخْرُونَ فِي غِيَابِهِمْ: (آن چه دیگران در نبودنشان به آن راضی نمی شوند را یاد کرد.)
- الإِسْتِهْزَاءُ (ريشخند کردن)
الْمَيِّتُ (مَرده)
الْكِبَائِرُ (گناهان بزرگ)
التَّوَابُ (بسیار توبه پذیر)
تَنَابَرُ بِالْأَلْقَابِ (به یکدیگر لقب های زشت دادن)
اغْتَابَ (غیبت کرد)

● **الْتَّمْرِينِ الثَّانِي:** تَرْجِمِ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ. (این احادیث نبوی را ترجمه کن، سپس [آن چه] خواسته شده از تو را مشخص کن.)

۱- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. (الْمُبْتَدَأُ وَالْخَبَرُ)
مبتدا خبر

خوش اخلاقی نیمی از دین است.

۲- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. (الْمَفْعُولُ)
مفعول

هر کس اخلاقتش بد باشد، خودش را عذاب می دهد.

۳- إِنَّمَا يُعِثُّ لِأَتَمِّ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ. (الْفِعْلُ الْمَاضِي الْمَجْهُولُ وَالْمَفْعُولُ)
فعل ماضی مجهول مفعول

فقط فرستاده شدم (مبعوث شدم) تا صفات برتر اخلاقی را کامل کنم.

۴- اَللّٰهُمَّ كَمَا حَسَنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. (الْفِعْلُ الْمَاضِي وَفِعْلُ الْأَمْرِ)
فعل ماضی فعل امر

خدایا همان گونه که آفرینش مرا نیکو گردانیدی، پس اخلاق مرا نیکو گردان.

۵- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (اسْمُ التَّفْضِيلِ وَالْجَارُ وَالْمَجْرُورُ)
اسم تفضیل جارومجرور جارومجرور

چیزی سنگین تر از اخلاق نیک در ترازو [ی اعمال] نیست.

● **الْتَّمْرِينِ الثَّالِث:** تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ وَالْمُصَادِرَ التَّالِيَةَ. (فعل ها و مصدرهای زیر را ترجمه کن.)

الْمَصْدَر	الْأَمْرُ وَ النَّهْيُ	الْمُضَارِع	الْمَاضِي
إِحْسَان: نیکی کردن	أَحْسِن: نیکی کن	يُحْسِن: نیکی می کند	قَدْ أَحْسَنَ: نیکی کرده است
إِقْتِرَاب: نزدیک شدن	لَا تَقْتَرِبُوا: نزدیک نشوید	يَقْتَرِبُونَ: نزدیک می شوند	إِقْتَرَبَ: نزدیک شد
إِنْكَسَار: شکسته شدن	لَا تَنْكَسِرْ: شکسته نشو	سَيَنْكَسِرُ: شکسته خواهد شد	إِنْكَسَرَ: شکسته شد
إِسْتِغْفَار: آمرزش خواستن	إِسْتَعْفِرْ: آمرزش بخواه	يَسْتَعْفِرُ: آمرزش می خواهد	إِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست
مُسَافَرَة: سفر کردن	لَا تُسَافِرْ: سفر نکن	لَا يُسَافِرُ: سفر نمی کند	مَا سَافَرْتُ: سفر نکردم
تَعَلُّم: یاد گرفتن	تَعَلَّمْ: یاد بگیر	يَتَعَلَّمَان: یاد می گیرند	تَعَلَّمَ: یاد گرفت
تَبَادُل: عوض کردن	لَا تَتَبَادَلُوا: عوض نکنید	تَتَبَادَلُونَ: عوض می کنید	تَبَادَلْتُمْ: عوض کردید
تَعْلِيم: آموزش دادن	عَلِّمْ: آموزش بده	سَوْفَ يُعَلِّمُ: آموزش خواهد داد	قَدْ عَلَّمَ: آموزش داده است

● **الْتَّمْرِينِ الرَّابِع:** اَكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ. (معادلات ریاضی زیر را مانند نمونه بنویس.)

$$۱۰ + ۴ = ۱۴$$

۱- عَشْرَةٌ زَائِدٌ أَرْبَعَةٌ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ عَشَرَ.

(ده به اضافه چهار مساوی است با چهارده.)

$$۱۰۰ \div ۲ = ۵۰$$

۲- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي خَمْسِينَ.

(صد تقسیم بر دو مساوی است با پنجاه.)

$$۸ \times ۳ = ۲۴$$

۳- ثَمَانِيَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ وَعِشْرِينَ.

(هشت ضرب در سه مساوی است با بیست و چهار.)

$$۷۶ - ۱۱ = ۶۵$$

۴- سِتَّةٌ وَسَبْعُونَ نَاقِصٌ أَحَدٌ عَشَرَ يُسَاوِي خَمْسَةَ وَسِتِّينَ.

(هفتاد و شش منهای یازده مساوی است با شصت و پنج.)

● **الْتَّمْرِينِ الْخَامِسُ:** عَيَّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةِ. (نقش کلمات رنگی را مشخص کن.)

- ۱- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الْفَتْحُ: ۲۶
مفعول مجرور به حرف جر
(پس خداوند آرامشش را بر پیامبرش و بر مؤمنان فرو فرستاد. (نازل کرد.))
- ۲- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ الْبَقَرَةُ: ۲۸۶
فاعل مفعول
(خدا به کسی جز به اندازه توانش تکلیف نمی دهد.)
- ۳- أَلَسْكَوْتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
مبتدا خبر
(سکوت طلا و سخن گفتن نقره است.)
- ۴- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
مبتدا مضاف الیه مجرور خبر
به حرف جر
(محبوبترین بندگان خدا نزد خداوند سودمندترین آن‌ها برای بندگانش است.)
- ۵- عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ الْكَلْبَلَاءِ
مبتدا خبر مجرور به حرف جر
(دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.)

● **الْتَّمْرِينِ السَّادِسُ:** تَرْجِمِ التَّرَاكِيِبَ وَ الْجُمَلَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ، وَ اسْمَ الْمُبَالَغَةِ، وَ اسْمَ الْمَكَانِ، وَ اسْمَ التَّفْضِيلِ.

(ترکیب‌ها و جمله‌های زیر را ترجمه کن، سپس اسم فاعل و اسم مفعول، و اسم مبالغه، و اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.)

- ۱- ﴿رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ﴾: الشُّعْرَاءُ: ۲۸
پروردگار مشرق و مغرب
- ۲- يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ:
ای کسی که نیکوکاران را دوست دارد.
- ۳- يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ:
ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان. (ای مهربان‌ترین مهربانان)
- ۴- يَا سَاتِرَ كُلِّ مَغْيُوبٍ:
ای پوشاننده هر عیب‌داری.
- ۵- يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ:
ای بسیار آمرزنده گناهان.
- المَشْرِقُ - الْمَغْرِبُ: اسم مکان
المُحْسِنِينَ (مفرد: الْمُحْسِنُ): اسم فاعل
أَرْحَمَ: اسم تفضیل - الرَّاحِمِينَ (مفرد: الرَّاحِمُ): اسم فاعل
سَاتِرَ: اسم فاعل - مَغْيُوبٍ: اسم مفعول
غَفَّارَ: اسم مبالغه

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ (پژوهش علمی)

إِسْتَخْرِجْ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ تَفْضِيلٍ مِنْ دَعَاءِ الْإِفْتِتَاحِ.
(پنج اسم تفضیل از دعای افتتاح استخراج کن.)

سؤالات امتحانی درس

مهارت واژه‌شناسی

الف) تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (کلماتی که زیرش خط است را ترجمه کن.)

- ۱- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ...» /
- ۲- بِسْمِ الْأِسْمِ الْفُسُوقِ بَعْدَ الْإِيمَانِ. /
- ۳- «إِجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» /
- ۴- الْإِسْتِهْزَاءُ بِالْآخَرِينَ، سَوْءُ الظَّنِّ وَ التَّجَسُّسُ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ. /
- ۵- الْعَبِيَّةُ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ. /
- ۶- كَمْ بَعْرٌ هَذَا التَّمْصِصِ الرَّجَالِيِّ؟ /
- ۷- أَعْطَيْتَنِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِئْتَيْنِ وَ عَشْرِينَ أَلْفًا. /
- ۸- مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَدَبَ نَفْسَهُ. /
- ۹- «أُ يُحِبُّ أَحَدَكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا؟» /
- ۱۰- «لَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَ لَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَابِ!» /
- ۱۱- «إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ» /
- ۱۲- لَا تُذَكِّرْ عِيُوبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ! /
- ۱۳- عَلَيْنَا أَنْ نُبْتَغِدَ عَنِ الْعُجْبِ! /
- ۱۴- لَا تَلَقَّبُوا النَّاسَ بِالْقَابِ يَكْرَهُونَهَا! /
- ۱۵- الْمُحَاوَلَةُ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ! /
- ۱۶- ذَلِكَ مُتَجَرِّ زَمِيلِي. /

ب) اُكْتَبَ فِي الْفَرَغَاتِ الْمْتَرَادِفِ وَ الْمْتَضَادِّ: (در جاهای خالی مترادف و متضاد را بنویس.)

۱۷- اجتهاد - ذَنْب - أَسْوَد - أَكْثَر - غَالِيَةٌ - مُبِين - رُبَّمَا - وَضَل - الذَّنْبُ الْكَبِيرَةُ - نَاقِص

زائد ≠ = إثم كباثر = ≠ أَقْل = مُحاوَلَةٌ
رخيصة ≠ عسى = أبيض ≠ قَطَعَ ≠ خفي ≠

ج) عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تَنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي الْمَعْنَى: (کلمه‌ای که با کلمات دیگر در معنا تناسب ندارد را مشخص کن.)

- | | | | | |
|------------------------------------|-----------------------------------|------------------------------------|---|-----------------------------------|
| <input type="checkbox"/> ۱۸- ذَنْب | <input type="checkbox"/> ۱۹- أبيض | <input type="checkbox"/> ۲۰- يروال | <input type="checkbox"/> ۲۱- الأستيهزاء | <input type="checkbox"/> ۲۲- آسيا |
| <input type="checkbox"/> ذنب | <input type="checkbox"/> أحسن | <input type="checkbox"/> فستان | <input type="checkbox"/> التجسس | <input type="checkbox"/> أوروبا |
| <input type="checkbox"/> أحمر | <input type="checkbox"/> أسود | <input type="checkbox"/> قميص | <input type="checkbox"/> سوء الظن | <input type="checkbox"/> أمريكا |
| <input type="checkbox"/> بستان | <input type="checkbox"/> قميص | <input type="checkbox"/> سوء الظن | <input type="checkbox"/> دنيا | |
| <input type="checkbox"/> التواصل | <input type="checkbox"/> دنيا | | | |

د) اُكْتَبْ مَفْرُودًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ: (مفرد یا جمع کلمات زیر را بنویس.)

- | | | | |
|--------------|--------------|--------------|--------------|
| ألقاب: | كبيزة: | أراذل: | خطيئة: |
| أفاضل: | أخ: | لحوم: | سعر: |
| بهائم: | ميت: | ميزان: | مطعم: |

مهارت ترجمه به فارسی

ه) تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (عبارت‌های زیر را به فارسی ترجمه کن.)

- ۲۴- «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ»
۲۵- «لا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَ لا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الإِيمَانِ»
۲۶- «لا تَجَسَّسُوا وَ لا يَغْتَنَّبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا»
۲۷- عَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْعُجْبِ وَ أَنْ لا نَذْكَرَ عُيُوبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ أَوْ بِإِشَارَةٍ.
۲۸- أَيُّهَا الطَّلَابُ، لا تَعِيبُوا الْآخَرِينَ وَ لا تَلْقَبُوهُمْ بِالْقَابِ بِكْرَهُونَهَا.
۲۹- بِئْسَ الْعَمَلُ الْفُسُوقُ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.
۳۰- التَّجَسُّسُ وَ هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ.
۳۱- الْغَيْبَةُ وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.
۳۲- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ السَّخَرِيَّةِ مِنَ الْآخَرِينَ.
۳۳- جَبَلُ دَمَاوَنْدِ أَعْلَى جِبَالِ إِيرانِ وَ آسِيَا أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ.
۳۴- أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.
۳۵- مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ.
۳۶- أَعْطِنِي بِسْرُوَالًا مِنْ هَذَا النَّوعِ بَعْدَ التَّخْفِيفِ.
۳۷- «لا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»
۳۸- حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ.
۳۹- شَرُّ النَّاسِ مَنْ لا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَ لا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ.
۴۰- يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسَبَ النَّوعِيَّاتِ.
۴۱- عداوَةٌ الْعاقلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.
۴۲- اللَّهُ هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنِ عِبَادِهِ.

9 [اِنْتِخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ: (ترجمه صحیح را انتخاب کن.)

۴۳- «... وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ...»

۱) ... و با آنان به راه و روشی که بهترین است ستیز کرد به راستی که پروردگار به کسی که از راهش گمراه شد آگاه تر است.

۲) ... و با آنان به روشی که بهتر است ستیز کن همانا پروردگارت به کسی که از راهش گمراه شد آگاه تر است.

۴۴- اَللّٰهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي.

۱) خدایا همان طور که آفرینش مرا نیکو گردانیدی، پس اخلاق مرا نیکو گردان.

۲) خدایا همان گونه که اخلاق مرا نیکو گرداندی، پس آفرینش مرا نیز نیکو گردان.

۴۵- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.

۱) بندگان محبوب خداوند برای بندگان سودمندتر هستند.

۲) محبوب ترین بندگان خدا سودمندترینشان برای بندگان است.

۴۶- خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ.

۱) کسی که عیب‌هایتان را به شما هدیه می‌کند از بهترین برادران شماست.

۲) بهترین برادران شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کرد.

۴۷- «... رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ»

۱) پروردگارا، ایمان می‌آوریم پس ما را ببخش و به ما رحم کن همانا تو بهترین رحم‌کنندگان هستی.

۲) پروردگار ما، ایمان آوردیم پس ما را بیامرز و به ما رحم کن همانا تو بهترین رحم‌کنندگانی.

ز [كَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: (جاهای خالی را در ترجمه فارسی کامل کن.)

۴۸- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ.

چیزی در ترازوی اعمال از نیست.

۴۹- إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.

فقط تا کرامت‌های اخلاقی را

۵۰- شَاهَدْتُ أَحْسَنَ مِنْ هَذَا الْفُسْتَانِ. أَيُّ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟

..... از این پیراهن زنانه رنگی!؟

۵۱- أَرِيدُ أَرْحَصَ مِنْ هَذَا السَّرْوَالِ. هَذِهِ الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ.

..... از این شلوار این

ح [تَرْجِمِ التَّرَاكِيِبَ التَّالِيَةَ: (ترکیب‌های زیر را ترجمه کن.)

۵۲- يا خَيْرَ الرَّازِقِينَ:

۵۶- يا مَنْ يُحِبُّ الصَّالِحِينَ:

۵۳- يا دَافِعَ الْبَلَايَا:

۵۷- أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ:

۵۴- يا صَانِعَ كُلِّ مَصْنُوعٍ:

۵۸- يا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ:

۵۵- هُوَ شَرُّ النَّاسِ:

۵۹- فَاطِمَةُ الْكُبْرَى:

ط [تَرْجِمِ إِسْمَ التَّفْضِيلِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ: (اسم تفضیل را در عبارات‌های زیر ترجمه کن.)

۶۰- جَبَلٌ أَوْرَسَتْ أَعْلَى جِبَالِ الْعَالَمِ.

۶۳- الْعُلَمَاءُ أَفْضَلُ النَّاسِ.

۶۱- أَوْرُوبًا أَضْعُرُ مِنْ آسِيَا.

۶۴- هُوَ مِنْ خَيْرِ إِخْوَانِي.

۶۲- زَمِيلِي أَحَبُّ الزَّمَلَاءِ فِي الْمَدْرَسَةِ.

۶۵- أَذْكَرُ أَكْبَرَ سُورَةِ فِي الْقُرْآنِ.

مهارت شناخت و کاربرد قواعد

۱۵ عَيْنٌ نَوْعُ الْأَفْعَالِ النَّالِيَةِ ثُمَّ تَرْجُمُهَا: (نوع فعل‌های زیر را مشخص کن، سپس آن‌ها را ترجمه کن.)

۶۶-

إِجْتَبَيْتُمْ: /	لا تَسْخَرُوا: /
سَبَّحْتُمْ: /	قَدْ كَرِهْتُمْ: /
إِنْقُوا: /	لا تَذَكَّرُوا: /
تَنْصَحْنَا: /	تَتَعَلَّمُونَ: /
يُعَلِّمُنَ: /	كَانَ يَسْتَعْفِفُ: /

۱۶ ك عَيْنٌ مَا طَلِبَ مِنْكَ: (آن چه از تو خواسته شده را بنویس.)

۶۷- ذَلِكَ مَتَجَرَّ زَمِيلِي وَ لَهُ مَلَائِسُ أَرْحَصَ. (اسم المكان / اسم التفضيل): /

۶۸- «اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ» (اسم المبالغة):

۶۹- كتابي في مكتبتنا من أنفع الكتب. (اسم المكان / اسم التفضيل): /

۷۰- «... وَ جَادِلُهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ...» (اسم التفضيل / فعل الأمر): /

۷۱- «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (اسم الفاعل): /

۱۷ ل عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (نقش کلماتی که زیرش خط است را مشخص کن.)

۷۲- حَسُنَ الْخَلْقِ نِصْفُ الدِّينِ. /

۷۳- هُوَ ذَكَرَ عِيُوبَ الْآخِرِينَ فِي غِيَابِهِمْ. /

۷۴- «لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» /

۷۵- السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ أَمْرٌ قَبِيحٌ. /

۷۶- «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ» /

۱۸ م كَمَلِ الْفَرَاقَاتِ فِي الْجَدُولِ: (جاهای خالی را در جدول کامل کن.)

۷۷-

- وَصَلْنَا فِي سَفَرِنَا إِلَى مَطْعَمٍ نَظِيفٍ.

- الْعَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ. فَاتَّزَكُّهَا.

- بُعِثَ النَّبِيُّ لِيُتِمَّمَ الْمَكَارِمَ الْأَخْلَاقِيَّةَ.

- إِجْتَنِبُوا عَنْ مَنَازِلِ تَذَكُّرٍ فِيهَا أَسْمَاءُ الْآخِرِينَ.

اسم التفضيل	اسم المكان	الصفة	فعل الأمر	الفعل المجهول
.....
.....

۱۹ ن اُكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ النَّالِيَةَ: (عملیات ریاضی زیر را بنویس.)

۷۸- عشرونَ زائدَ عَشْرَةٍ يُساوي ثلاثينَ:

۷۹- ثلاث و ستونَ ناقص ثلاثينَ يُساوي ثلاثه و ثلاثينَ:

۸۰- أربعة في سبعة يساوي ثمانية و عشرينَ:

س) اِنْتِخِبِ الكَلِمَةَ المُناسِبَةَ لِلتَّوضِيحَاتِ التَّالِيَةِ (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ): (كَلِمَةٌ مُناسِبَةٌ لِإِجَابَةِ تَوْضِيحَاتِ زَيْرٍ اِنتِخَابِ كُنْ. «دُو كَلِمَةٌ اِضَافِي اِسْت.»)

سوء الظَّنِّ - فَضَحَ - الغَيْبَةُ - التَّجَسُّسُ - تَنَاوَزَ بِاللَّقَابِ - فُسُوقٌ - مَيِّتٌ - اِسْتِهْزَاءٌ

- ٨١- تَسْمِيَةُ الْآخَرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ:
- ٨٢- السَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخَرِينَ:
- ٨٣- جَعَلَهُ اللَّهُ حَرَامًا:
- ٨٤- اِتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ بَدُونِ دَلِيلٍ:
- ٨٥- الَّذِي لَيْسَ حَيًّا:
- ٨٦- ذَكَرَ مَا لَا يَرَى بِهِ الْآخَرُونَ فِي غِيَابِهِمْ:

ع) عَيَّنِ الجَمَلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الحَقِيقَةِ: (جَمَلَةٌ دَرَسَتْ وَغَلَطَ رَا بِرَحْسَبِ حَقِيقَتِ مَشْخُصِ كُنْ.)

- ٨٧- سَمَّى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.
- ٨٨- عَلَيْنَا الْإِجْتِنَابُ مِنَ الظَّنِّ إِنَّ كُلَّ الظَّنِّ إِثْمٌ:
- ٨٩- ذَكَرَ عِيُوبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ حَفِيٍّ أَمْرٌ جَمِيلٌ:
- ٩٠- سِوَاءِ الظَّنِّ هُوَ اِتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بِدَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ:
- ٩١- الغَيْبَةُ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ التَّوَأْصُلِ بَيْنَ النَّاسِ:

ف) اِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: (مَتْنٌ رَا بِخَوَانِ سِيسِ بِه سؤَالَاتِ بِاسْخِ بَدَه.)

«أَيُّهَا الرُّمَاءُ، لَا تَعْيَبُوا الْآخَرِينَ وَ لَا تَلَقَّبُوهُمْ بِالْقَابِ قَبِيحَةٍ يَكْرَهُونَهَا. بِنَسِّ الْعَمَلِ الْفُسُوقُ وَ مَنْ يَفْعَلُهُ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ. فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى الْاِسْتِهْزَاءَ بِالْآخَرِينَ وَ سُوءَ الظَّنِّ وَ التَّجَسُّسَ وَ الغَيْبَةَ. لِأَنَّهَا مِنْ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَأْصُلِ بَيْنَ النَّاسِ. قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْعُجْبِ. أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ.»

- ٩٢- مَنْ هُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ؟
- ٩٣- أَدْرِكْ مَا حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى حَسَبَ النَّصِّ.
- ٩٤- مَا هِيَ أَسْبَابُ قَطْعِ التَّوَأْصُلِ بَيْنَ النَّاسِ؟
- ٩٥- مَا هُوَ أَكْبَرُ الْعَيْبِ حَسَبَ النَّصِّ؟
- ٩٦- لِمَاذَا عَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْعُجْبِ؟

«يُوجَدُ فِي الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ آيَاتٌ فِي الْأَخْلَاقِ. فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى هَذِهِ الذَّنُوبَ، مِنْهَا: الْاِسْتِهْزَاءُ بِالْآخَرِينَ وَ تَسْمِيَتُهُمُ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ وَ سُوءَ الظَّنِّ وَ هُوَ اِتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بَدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ وَ التَّجَسُّسَ وَ هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِضَحْمِهِمْ وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذَّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا وَ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ. الغَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَأْصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.»

- ٩٧- أَدْرِكْ الذَّنُوبَ الَّتِي قَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى حَسَبَ النَّصِّ.
- ٩٨- عَيِّنْ مَا هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذَّنُوبِ.
- ٩٩- مَا هِيَ أَهَمُّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَأْصُلِ بَيْنَ النَّاسِ؟
- ١٠٠- عَيِّنِ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ النَّصِّ.

- (١) سُوءُ الظَّنِّ هُوَ اِتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بَدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.
- (٢) التَّجَسُّسُ ذَنْبٌ لِفْضَحِ النَّاسِ وَ كَشْفِ أَسْرَارِهِمْ.
- (٣) لَيْسَ فِي الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ آيَاتٌ فِي الْأَخْلَاقِ.
- (٤) الغَيْبَةُ مِنْ كِبَائِرِ الذَّنُوبِ وَ سَبَبٌ لِقَطْعِ التَّوَأْصُلِ بَيْنَ النَّاسِ فَقَطْ.

مهارت مکالمه

ص اُجِبْ عَنِ السُّؤَالَاتِ: (به سؤالات پاسخ بده.)

- ۱۰۱- ما اسْمُكَ؟
 ۱۰۲- أَيْنَ اشْتَرَيْتَ هَذَا الْقَمِيصَ الرَّجَالِيَّ؟
 ۱۰۳- هل عندك مَتَجَرٌّ فِي السُّوقِ؟
 ۱۰۴- أَيُّ لَوْنٍ حَوْلَكَ؟
 ۱۰۵- كم سِعْرُ قَمِيصِكَ؟
 ۱۰۶- هل تَأْخُذُ (تَأْخُذِينَ) التَّخْفِيصَ مِنَ الْبَائِعِ؟

ق رَتِّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اُكْتُبِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ: (کلمات را مرتب کن و جمله ای صحیح را بنویس.)

- ۱۰۷- مِنْ / أُرِيدُ . / هذه / غَالِيَةً / هذا / أَرْحَصُ / الْأَسْعَاظُ / .
 ۱۰۸- الْمَبْلَغُ / ثَلَاثِينَ / صَارَ / مِئَتَيْنِ / تومَانِ / كَمْ / ؟ / و / . /
 ۱۰۹- لَهُ / . / أَفْضَلُ / مَتَجَرٌّ / ذَلِكَ / زَمِيلِي / ، / سَرَاوِيلُ /

پاسخ سؤالات امتحانی درس

۱۸. گناه گناه گناه گناه گناه
 ۱۹. سفید بهتر سیاه قرمز
 ۲۰. شلوار پیراهن زنانه پیراهن مردانه باغ
 ۲۱. ریشخند جاسوسی بدگمانی ارتباط
 کردن کردن

(همه به جز «التَّوَّاضُلُ» از گناهان هستند.)

۲۲. آسیا اروپا آمریکا دینا

(همه به جز «دینا» قاره هستند.)

۲۳. ألقاب ← لَقَبٌ كِبَايِرَةٌ ← كِبَائِرُ
 أرذل ← أَرْدَلٌ خَطِيئَةٌ ← خَطَايَا
 أفاضل ← أَفْضَلُ أخ ← إِخْوَةٌ، إِخْوَانُ
 لُحُومٌ ← لَحْمٌ سِعْرٌ ← أُسْعَارُ
 بَهَائِمٌ ← بَهَيْمَةٌ مَيْتٌ ← أَمْوَاتٌ، مَوْتِي
 مِيزَانٌ ← مَوَازِينُ مَطْعَمٌ ← مَطَاعِمُ

۲۴. ای کسانی که ایمان آوردید از بسیاری از گمان [ها] بهره‌یازید همانا برخی گمان [ها] گناه هستند.

۲۵. از خودتان عیب نگیرید و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید پس از ایمان (به خدا) نام آلوده شدن به گناه چه بد است.

۲۶. جاسوسی نکنید و نباید غیبت یکدیگر را کنید. (نبايد برخی از شما غیبت برخی [دیگر] را کنند.)

۲۷. باید از خودپسندی دوری کنیم و عیب‌های دیگران را با سخنی پنهان یا با اشاره‌ای یاد نکنیم.

۲۸. ای دانش‌آموزان، از دیگران عیب نگیرید و آنان را با لقب‌هایی که آن‌ها را ناپسند می‌دارند، لقب ندهید.

۲۹. [چه] بد کاری است آلوده شدن به گناه و هر کس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران است.

۱. نباید مسخره کند

۲. [چه] بد است - آلوده شدن به گناه

۳. بهره‌یازید - گناه

۴. ریشخند کردن - جاسوسی کردن

۵. مهم‌ترین - ارتباط

۶. قیمت - پیراهن مردانه

۷. تخفیف - هزار

۸. بد شد (بد باشد) - عذاب داد (عذاب می‌دهد)

۹. گوشت - مرده

۱۰. عیب نگیرید - به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید

۱۱. بسیار توبه‌پذیر

۱۲. پنهان

۱۳. خودپسندی

۱۴. لقب ندهید - ناپسند می‌دارند

۱۵. رسوا کردن - گناهان بزرگ

۱۶. مغازه - همکار

۱۷. زائد ناقص دَنَّبُ

(به‌اضافه منهای) (گناه)

کَبَائِرُ الذَّنُوبِ الْكَبِيرَةِ

(گناهان بزرگ) (کم‌تر بیش‌تر)

مُحَاوَلَةٌ إِجْتِهَادٌ

(تلاش کردن) (ارزان گران)

عَسَى زُبْمًا

(شاید) (سفید سیاه)

قَطَعَ وَصَلَ

(بریدن وصل کردن) (خفی مبین)

(پنهان آشکار)

۹۸۹. غلط - یاد کردن عیب‌های دیگران با سخنی پنهان کاری زیباست.

۹۹۰. غلط - بدگمانی همان تهمت زدن شخصی به شخص دیگر با دلیل منطقی است.

۹۹۱. غلط - غیبت آن از مهم‌ترین علت‌های ارتباط میان مردم است.

ترجمه متن

✳ ای هم‌شاگردی‌ها، از دیگران عیب نگیرید و آنان را با لقب‌هایی زشت که آن‌ها را ناپسند می‌دارند لقب ندهید. آلوده شدن به گناه [چه] بد کاری است و هر کس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران است. پس قطعاً خدای بلندمرتبه ریشخند کردن دیگران و بدگمانی و جاسوسی کردن و غیبت کردن را حرام کرده است. زیرا آن‌ها از علت‌های بریدن (قطع) ارتباط میان مردم هستند. گاهی میان مردم کسی است که او از ما بهتر است، پس ما باید از خودپسندی دوری کنیم. بزرگ‌ترین عیب آن است که آن‌چه مانندش در تو هست را عیب بگیری.

۹۹۲. چه کسی از ستمکاران است؟ مَنْ يَفْعَلُ الْفُسُوقَ. (کسی که آلوده شدن به گناه را انجام می‌دهد).

۹۹۳. آن‌چه خداوند بلندمرتبه آن‌ها را بر اساس متن حرام کرد را نام ببرید. الإِسْتِهْزَاءُ بِالْآخِرِينَ و سوء الظَّنِّ و التَّجَسُّس و الغيبة. (ریشخند کردن دیگران و بدگمانی و جاسوسی کردن و غیبت)

۹۹۴. علت‌های بریدن (قطع) ارتباط میان مردم چیست؟ الإِسْتِهْزَاءُ بِالْآخِرِينَ و سوء الظَّنِّ و التَّجَسُّس و الغيبة. (ریشخند کردن دیگران و بدگمانی و جاسوسی کردن و غیبت)

۹۹۵. بر اساس متن بزرگ‌ترین عیب چیست؟ أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ. (بزرگ‌ترین عیب آن است که آن‌چه مانند آن در تو هست را عیب بگیری.)

۹۹۶. چرا ما باید از خودپسندی دوری کنیم؟ لِأَنَّ قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا. (زیرا گاهی میان مردم کسی است که او از ما بهتر است.)

✳ در قرآن کریم آیه‌هایی در (درباره) اخلاق یافت می‌شود. پس خداوند بلندمرتبه این گناهان را حرام کرده است، از جمله آن‌ها: ریشخند کردن دیگران و نامیدن آن‌ها با نام‌های زشت و بدگمانی و آن تهمت زدن یک شخص به شخص دیگر بدون دلیل منطقی و جاسوسی کردن و آن تلاش زشتی برای کشف رازهای مردم برای رسوا کردن آنان و آن از بزرگ‌ترین گناهان در مکتب ما و از اخلاق‌های زشت است. غیبت از مهم‌ترین علت‌های قطع ارتباط میان مردم است.

۹۹۷. بر اساس متن گناهانی را که خدای بلندمرتبه حرام کرده است را یاد کن. الإِسْتِهْزَاءُ بِالْآخِرِينَ، سوء الظَّنِّ، التَّجَسُّس و الغيبة (ریشخند کردن دیگران، بدگمانی، جاسوسی کردن و غیبت)

۹۹۸. آن‌چه که از گناهان بزرگ است را مشخص کن. التَّجَسُّس (جاسوسی کردن)

۹۹۹. مهم‌ترین علت‌های قطع ارتباط میان مردم چیست؟ الغيبة (غیبت)

۱۰۰۰. درست و غلط را بر حسب متن مشخص کن.

(۱) بدگمانی آن تهمت زدن شخصی به شخص دیگر بدون دلیل منطقی

است.

(۲) جاسوسی کردن گناهی برای رسوا کردن مردم و کشف رازهای آنان است.

(۳) در قرآن حکیم آیه‌هایی در (درباره) اخلاق نیست.

(۴) غیبت از بزرگ‌ترین گناهان است و فقط علتی برای قطع ارتباط میان

مردم است. (واژه «فقط» این گزینه را غلط کرده است.)

۱۰۰۱. اسمت چیست؟ اسمي مُحَمَّدٌ (اسمي فاطمة) (اسم من محمد است. اسم

من فاطمه است.)

۱۰۰۲. این پیراهن مردانه را از کجا خریدی؟ مِنَ السُّوقِ، مِنَ الْمَتَجَرِّ (از بازار، از مغازه)

۱۰۰۳. آیا مغازه‌ای در بازار داری؟ نعم، عندي متجرٌ (بله، مغازه‌ای دارم.)

۱۰۰۴. کدام رنگ اطرافت هست؟ أَحْمَرٌ - أَسْوَدٌ - أَزْرَقٌ - أَبْيَضٌ - أَخْضَرٌ -

بِنَفْسَجِي (قرمز - سیاه - آبی - سفید - سبز - بنفش)

۱۰۰۵. قیمت پیراهنت چند است؟ ثَلَاثَةٌ و ثَلَاثُونَ أَلْفًا (سی و سه هزار)

۱۰۰۶. آیا از فروشنده تخفیف می‌گیری؟ نَعَمْ، لَا (بله، خیر)

۱۰۰۷. أَرِيدُ أُرْخِصُ مِنْ هَذَا. هذه الأَسْعَاةُ غَالِيَةٌ.

۱۰۰۸. كَمْ صَارَ الْمَبْلَغُ؟ مِئَتَيْنِ و ثَلَاثِينَ تَوْمان.

۱۰۰۹. ذَلِكَ مَتَجَرٌّ زَمِيلِي، لَهُ سَرَاوِيلٌ أَفْضَلُ.